

پیشگفتار

باعث رفت و آمد دانشجویان میان کشورها شده است. این رفت و آمدها موجب می شود که دانشگاهها به بهبود کیفیت بیندیشند و از این راه زمینه جذب دانشجویان بیشتر را فراهم آورند. با بهبود کیفیت، این دانشگاهها خواهند توانست متقاضیان نخبه را به سوی خود بکشانند زیرا نخبگان به دنبال مکانهایی با شرایط بهتر و هزینه کمتر هستند؛ اما چگونگی و میزان بهبود با ساختار اجرایی و نوع اداره دانشگاهها بستگی مستقیم دارد. شاید به جرأت بتوان گفت که توسعه علمی در آمریکا و اروپا مرهون استقلال دانشگاهها، کم بودن نقش دولت در تصمیم گیری و اجرا و نیز شایستگی دانشجویانی بوده است که به علت شرایط بهتر دانشگاههای این کشورها، جذب آنها شده اند و به گونه طبیعی زمینه پیشرفت آنها را فراهم آورده اند.

دانشجو، دانشگاه و محل تحصیل

بیشتر دانشجویان، مانند مشتریان در هر جای دیگر، در پی بهترین «معامله» اند که در آن با پرداخت پول کمتر، در دانشگاه بهتر با کیفیت برتر تحصیل کنند، چرا که برای خریداران خوراک، گذشته از کمیت، مزه آن نیز اهمیت دارد. دانشگاه اکنون برای جذب بهترین دانشجویان باید جاذبهها و نقاط قوت خود شامل کیفیت بالای آموزش، ساختمانهای زیبا و دلنشین، محیط آرام و امکانات مناسب را مورد ارزیابی قرار دهد. در بیشتر نقاط اروپا پول هر چند اهمیت دارد اما در برآوردهای دانشجویان نقش اصلی را بازی نمی کند. طبیعی است که ثروتمندترین متقاضیان بیشتر به خارج بروند، اما برای همین گروه نیز کیفیت الویت چشمگیر دارد. هم اکنون نزدیک به ۱۱۲۰۰۰ دانشجو در بریتانیا که یکی از گرانترین کشورهای اروپا و جهان است درس می خوانند و بالاترین رشد مربوط به دانشجویان چینی است. در حال حاضر کمابیش ۳۸۰۰۰ دانشجوی چینی در بریتانیا تحصیل می کنند. این رقم رشد سالانه ای در حدود ۵۰ درصد از اواخر دهه نود نشان می دهد. شورای بریتانیا (British Council)، بازاریاب دولتی فرهنگ بریتانیا، گمان دارد که این میزان تا سال

گسترش آموزش عالی در سطح جهان روندی شتابنده دارد. هر روز بر شمار دانشگاهها و مراکز آموزش عالی افزوده می شود و این افزایش ظرفیت های لازم را برای متقاضیان ورود به این عرصه فراهم می آورد، ولی روند توسعه و حجم سرمایه مورد نیاز این مراکز دولت ها را از نظر تأمین اعتبارات و بودجه مورد نیاز با دشواریهایی روبه رو کرده است. از این رو سرمایه گذاری در بخش آموزش عالی از انحصار دولتها خارج و برای بخش خصوصی زمینه فعالیت در آموزش عالی فراهم شده است. این سرمایه گذاری هر چند به توسعه آموزش عالی کمک کرده، اما این بخش را به سوی تجاری شدن رانده است، به گونه ای که امروزه به آموزش عالی همچون یک کالا نگر بسته می شود.

این مقاله روند توسعه آموزش عالی در گذشته و حال را مورد ارزیابی قرار می دهد و با توجه به فرایند توسعه این بخش در کشورهای اروپایی بویژه بریتانیا به این نکته می پردازد که بی توجهی دولتها و اولیای آموزش عالی به این پدیده قرن خسارتهایی به بار می آورد که جبران آن امکان پذیر نیست و به خروج نخبگان و سرمایه های کلان از کشورها بویژه کشورهای در حال توسعه می انجامد.

عرضه آموزش عالی

در گذشته و به اندازه کمتری امروز، آموزش عالی در سطح ملی و بیشتر به دانشجویان بومی عرضه می شد و این حوزه در عمل در انحصار دولتها بود. گذشته از آن، رقابت و سود در آن، مفاهیمی ناشناخته بود. هزینه آموزش و پرورش از بودجه عمومی تأمین می شد، دولت بر شمار دانشجو، درونمایه درسها و مدت زمان تدریس نظارت کامل داشت. در بسیاری از کشورها هم اکنون نیز دولت سیاست گذار، مجری و منبع اصلی تأمین بودجه است ولی در برخی از کشورها تحصیلات دانشگاهی چنان دگرگون شده است که نمونه آن در گذشته کمتر وجود داشته است. دو ویژگی مهم «بین المللی شدن» و «رقابت» اینک بر جاذبه آموزش عالی افزوده است. بین المللی شدن آموزش عالی

تجاری شدن آموزش عالی

دکتر ناصر شمس *

دکتر کامران احمدگلی **

۲۰۱۰ دو برابر می‌شود. دانشجویان چینی از آن رو به بریتانیا می‌آیند که نظام آموزش عالی در حال گسترش کشورشان هنوز از کیفیت و کمیتی که در پی آنند برخوردار نیست. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی برآورد می‌کند که شمار دانشجویان چینی از ۱۱ میلیون در سال ۲۰۰۰ به ۱۶ میلیون تن در سال جاری خواهد رسید. در گذشته‌ای نه چندان دور چینها که شیفته برتری علمی و بورسیه‌های آمریکا می‌شدند، بیشتر به آن کشور می‌رفتند و شمارشان تا ۶۰۰۰۰ تن در سال می‌رسید. ولی درخواست تحصیل در آمریکا در سال تحصیلی ۲۰۰۴/۵ از سوی دانشجویان چینی و هندی با کاهشی به ترتیب ۴۵ و ۳۰ درصدی روبه‌رو شد. این آفت، بیشتر از قوانین سخت‌تر در زمینه صدور روادید مایه گرفته است که اکنون دولت آمریکا، دیر هنگام، سرگرم آسانتر کردن آن است؛ ولی رقابت‌های سخت نیز در این میان نقش داشته است. برای نمونه، شمار دانشجویان چینی و هندی در استرالیا در سال ۲۰۰۳ به ترتیب ۴۷ و ۵۲ درصد رشد داشته است، هر چند شمار دانشجویان خارجی در استرالیا با آفت ده درصدی روبه‌رو بوده است.

روند کاهش عزیمت دانشجویان به آمریکا نشان می‌دهد که افزون بر کیفیت و امکانات محل تحصیل، توجه به شخصیت دانشجو و چگونگی برخورد کشورها در زمینه حفظ حرمت و شأن دانشجو و ارائه خدماتی چون دادن روادید، در انتخاب محل تحصیل الویتی چشمگیر دارد. شاید طرح این نکته نیز خالی از اهمیت نباشد که شهروندان بریتانیا در پرتو شیوه برخورد شایسته و خدمت‌رسانی مناسب به خارجیان توانسته‌اند بیشترین متقاضیان تحصیل حتی در اروپا را به کشور خود جذب کنند و بخش بزرگی از مشکلات مالی دانشگاه‌های خود را با جذب این دسته از دانشجویان از اروپا و دیگر نقاط جهان از میان بردارند.

هر چند کشورهای اروپایی از جمله بریتانیا و کشورهای استرالیا، هند و برخی از کشورهای تازه استقلال یافته (به گونه محدود) توانسته‌اند شمار چشمگیری دانشجوی خارجی جذب کنند، ولی به علت بالا بودن هزینه تحصیل از يك سو و شرایط

سیاسی و فرهنگی حاکم در منطقه و سخت‌گیری‌های دولتها در دادن روادید به متقاضیان از سوی دیگر، نگرانی‌هایی برای دانشگاه‌ها بویژه دانشگاه‌های اروپا در تکمیل ظرفیتهای خالی خود و جذب درآمد ایجاد شده است. افزایش شهریه که از سپتامبر ۲۰۰۵ نسبت به سالهای پیش جهش بیشتری نشان می‌دهد، اولیای دانشگاه‌ها را سخت‌نگران کرده است. از آغاز سال ۲۰۰۵ میلادی. دانشگاه آکسفورد پرده از برنامه‌ای برداشت که بر پایه آن شمار دانشجویان بریتانیایی در دوره‌های لیسانس را (جایی که دولت شهریه را تعیین می‌کند) کاهش و شمار دانشجویان خارجی و تحصیلات تکمیلی را (که در آنها محدودیت شهریه وجود ندارد) افزایش می‌دهد. به‌زودی خواهیم دید که دیگر دانشگاه‌های بریتانیا نیز چنین روشی در پیش می‌گیرند. تا سال ۲۰۰۵ بیشتر دانشگاه‌های بریتانیا شهریه‌ای از ۹ تا ۱۰ هزار پوند برای رشته‌های غیر پزشکی و غیر آزمایشگاهی می‌گرفتند. در سال جاری با توجه به اینکه ملزم شده‌اند هزینه‌هایشان را خود تأمین کنند، شهریه‌ها را به ۱۳ تا ۱۴ هزار پوند افزایش داده‌اند و با توجه به روند جاری پیش‌بینی می‌شود که این رقم در سال آینده هم افزایش یابد.

پدیده سده بیست و یکم

این شرایط و نگرانی از کاهش شمار متقاضیان باعث شده است که برخی از این دانشگاه‌ها دست به گشایش شعبه‌هایی در کشورهای گوناگون بزنند. دانشگاه‌های بریتانیا و استرالیایی گیر گشودن شعبه‌های خود در کشورهای همچون چین، مالزی و جاهایی مانند دومی هستند، به این امید که بتوانند دانشجویان بیشتری را با هزینه کمتر زیر پوشش قرار دهند. به تازگی دانشگاه‌های منچستر، بیرمنگام و گلاسگو با هم شعبه‌ای در دومی برپا کرده‌اند که در برخی رشته‌ها از سپتامبر ۲۰۰۵ دانشجویان می‌پذیرد.

در مورد سودمند بودن این شعبه‌ها تردید وجود دارد، بویژه آنکه برخی دانشگاه‌ها خود را درگیر تعهدات پر هزینه و سرمایه‌گذاری‌های بلندپروازانه کرده‌اند؛ ولی این آموزش فرامرزی به هر شیوه که

● روند خصوصی سازی و تحولات در زمینه آموزش عالی به گونه‌ای است که دولتها در آینده نخواهند توانست کنترل کامل بر آموزش عالی را ادامه دهند. سرسختی دولتها در این زمینه نه تنها خطر از دست دادن سهم در بازار بین‌المللی، بلکه خطر از دست دادن بهترین دانشجویان کشور را در پی دارد.

پیامدهای این پدیده

به نظر می‌رسد دو خطر عمده در میان است: نخست، مسئله کیفیت است زیرا باعث می‌شود دریافت مدرک در سطوح پایین علمی رواج یابد. البته تنزل کیفی مدارک دانشگاهی مسئله تازه‌ای نیست، ولی جهانی شدن و رقابت، نظارت بر آن را بسیار دشوارتر کرده است. چه کسی می‌تواند بگوید که شعبه‌ی یک دانشگاه کوچک بریتانیایی، برای نمونه در دوی، به‌خوبی دانشگاه مادر در بریتانیاست؟ در این شیوه سطح‌بندی، تعیین ارزش نسبی همه مدارک از همه دانشگاهها ناممکن می‌نماید. برای برخی از دانشگاهها این سردرگمی و سوسه‌انگیز است بویژه هنگامی که نیاز به رضی نگه داشتن «مشتری» نیز با آن مخلوط گردد. دانشگاهی که به بسیاری از دانشجویان شهریه پرداز خود نمره ردی دهد، درآمدهای خود را در آینده به مخاطره می‌اندازد. به گونه نظری، دانشگاهها در نگهداشت اسم و رسم خود منافع بلندمدت دارند ولی کنترل کیفیت یکی از معضلات بزرگ و حل نشده آموزش عالی است. این معضل حتی در هاروارد، که در پرتو شهرت خود و سرمایه‌ای ۲۰ میلیارد دلاری به بهترین گونه از فشارهای بازار بر کنار مانده، حل نشده است. چنین می‌نماید که نظارت دولتی در این زمینه کمک زیادی نکرده است. دانشگاههای بریتانیا پیوسته مورد بازرسی دقیق و موشکافانه سازمانی به نام آژانس تضمین کیفیت (Quality Assurance Agency) قرار می‌گیرند که دانشگاهها به آن «ک‌گ‌ب» آموزش عالی می‌گویند و همگی به اهمیت این بازرسی در حفظ کیفیت علمی اعتقاد دارند. این شیوه بازرسی و کنترل کیفیت هرچند به حفظ استانداردها کمک می‌کند، ولی به نظر می‌رسد این گونه سازمانها برای بازار تازه آموزش چندان مناسب نباشد و بازار آموزشی آینده به مؤسساتی نیاز دارد که بتوانند در این بازار پاسدار استانداردهای آموزشی باشند. گذشته از آن، رشد و توسعه فزاینده آموزش عالی به سازمانهای بین‌المللی بیشتری از این دست بعنوان پاسدار استانداردها نیاز دارد.

دوم، مسئله دخالت دولت است. در بسیاری از

ارایه شود، نکته مهم آن است که روشهای سنتی خدمت‌رسانی و توسعه آموزش در چارچوب مرزهای جغرافیایی هر کشور دستخوش دگرگونی و تحول بنیادین است و باید بعنوان یک رخداد مهم در سده کنونی مورد توجه قرار گیرد.

نکته گفتمانی در این زمینه، تغییر نگرش به چگونگی آموزش و صدور مدرک است. پیشرفت تکنولوژی، تحوّل شگرف در آموزش در همه سطوح و مقاطع پدید آورده است. اکنون شرایط به گونه‌ای فراهم شده است که دانشجو حتی می‌تواند در حالی که از امکاناتی همچون اینترنت استفاده می‌کند بی‌حضور در دانشگاه یا کلاس درس مدرک دانشگاه معتبر را بگیرد. در گذشته، تدریس کننده و امتحان گیرنده یکی بود. در بیشتر اوقات اگر مدرک کمبریج را می‌خواستید در دانشگاه کمبریج درس می‌خواندید؛ ولی از نظر تجاری، این امر بیانگر فرصتی به هدر رفته است. شمار کسانی که یک دانشگاه قادر به امتحان گرفتن از آنهاست بسی بیش از کسانی است که می‌تواند به آنها درس بدهد. یک دانشگاه معتبر در سطح بین‌المللی می‌تواند با مجوز دادن به دیگران برای تدریس در رشته‌های مورد نظر، از اعتبار خود بهره‌گیرد. با این شیوه تحصیل، دانشگاه بر برنامه درسی نظارت دارد، استانداردها را مورد بازرسی قرار می‌دهد و سرانجام مدرک صادر می‌کند، ولی آموزش در خارج و از سوی دیگران صورت می‌پذیرد.

بنابراین، دانشگاههای ثروتمند جهان، همچون همتایان خود در صنعت ساخت و تولید در بیست سال گذشته، فعالیت خود را بر تجارتهایی متمرکز کرده‌اند که درآمدزا باشد؛ خطوطی را که سودده نیست کنار می‌گذارند و کار تولید را به بازارهای ارزاتر در خارج منتقل می‌کنند. روشی را که برای تولید کالاها خود در کشورهای ارزان از سالها پیش برگزیده‌اند، اینک در حوزه آموزش نیز به کار می‌گیرند.

با این روش، به نظر می‌رسد که آموزش با شتاب به سوی کالایی شدن پیش می‌رود و چنانچه دولتها در رویارویی با این پدیده قرن بر خوردی مناسب نداشته باشند بیم آن می‌رود که در کوتاه مدت شاهد خروج سرمایه‌های ارزشمندی از کشورشان باشند.

● به نظر می‌رسد که آموزش با شتاب به سوی کالایی شدن پیش می‌رود و چنانچه دولتها در رویارویی با این پدیده قرن بر خوردی مناسب نداشته باشند بیم آن می‌رود که در کوتاه مدت شاهد خروج سرمایه‌های ارزشمندی از کشورشان باشند.

کشورها این اندیشه که دولت باید بر آموزش عالی نظارت داشته باشد یا چالش جدی روبرو نیست. در بخش بزرگی از قاره اروپا (غیر از بریتانیا) حتی گرفتن شهریه یا دادن اجازه رقابت به دانشگاهها، مفاهیمی سخت افراطی شمرده می شود. پس از سالها کشمکش، دانشگاههای آلمان تنها در آغاز سال ۲۰۰۵ مجاز به گرفتن شهریه شده اند. سختگیری دولتها مانع بزرگی بر سر راه هر دگرگونی در آموزش عالی است. بخش خصوصی و مستقل آموزش عالی به سرعت در حال رشد است. حتی در آمریکا، جایی که در آن مراکز انتفاعی شاهد رسواییهای بسیار بوده است، توسعه این بخش ادامه دارد. ولی به رغم تفاوت نگرش دولتها، به نظر می رسد که روند خصوصی سازی و تحولات در زمینه آموزش عالی به گونه ای است که دولتها در آینده نخواهند توانست کنترل کامل بر آموزش عالی را ادامه دهند. سرسختی دولتها در این زمینه نه تنها خطر از دست دادن سهم در بازار بین المللی، بلکه خطر از دست دادن بهترین دانشجویان کشور را در پی دارد.

نتیجه

سمت و سورش است. رقابت، استانداردها را برای دانشجویان داخلی و خارجی بالا می برد، و سرعت این روند تا اندازه زیادی بستگی به استقلال دانشگاهها از دولت دارد. اینکه روند شکل گیری این پدیده در هر کشور چگونه و با چه سرعتی باشد، بستگی به چگونگی مدیریت دانشگاهها،

سیاستگذاری در زمینه آموزش عالی و میزان دخالت و نیز پشتیبانی دولت دارد. اگر دولتها در پی تغییر دادن این وضع هستند، نقطه آغاز مناسب، آن است که اجازه دهند این پدیده به گونه طبیعی به حرکت خود ادامه دهد و در برابر، به جای دخالت مستقیم در آموزش عالی به سیاست گذاری در چارچوب منافع ملی و نظارت دقیق بپردازند. در گذشته، به علت دخالت مستقیم دولت در آموزش عالی، جنبه های نظارتی سخت کمرنگ بوده است و چنانچه نظارتی هم وجود داشته است، دانشگاهها چون خود را بخشی از دولت می دانسته اند به آن اهمیتی نمی داده اند. در صورتی که آهنگ توسعه آموزش عالی با این پدیده هماهنگ نشود، با توجه به شتاب فزاینده آن و نیز پیشرفت سریع فناوری های آموزشی بیم آن می رود که نبود برنامهریزی دقیق و منظور نشدن جایگاهی ویژه برای توسعه آموزش عالی به گونه تازه، زیانهای به بار آورد که جبران آنها در آینده امکان پذیر نباشد.

منابع:

1. "Free degrees to fly", *The Economist*, February 26th 2005, pp. 77-79.
2. *The Times Higher Education Supplement*, Statistic Section.
3. Higher Education Statistics Agency, Statistic Section.

* نماینده علمی و سرپرست دانشجویان ایرانی در بریتانیا و ایرلند و عضو هیات علمی دانشگاه صنعتی امیرکبیر.
** عضو هیات علمی دانشگاه تربیت معلم

● توسعه علمی در آمریکا و اروپا مرهون استقلال دانشگاهها، کم بودن نقش دولت در تصمیم گیری و اجرا و نیز شایستگی دانشجویانی بوده است که به علت شرایط بهتر دانشگاههای این کشورها، جذب آنها شده اند و به گونه طبیعی زمینه پیشرفت آنها را فراهم آورده اند.